

اخبار الاخبار فی اسرار الابرار

عبدالحق محدث دہلوی

تصحیح و تخریج

علیم اشرف خان



مجلس آزادہٴ شرقی
۱۳۸۴ھ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اخبار الاخيار في اسرار الابرار



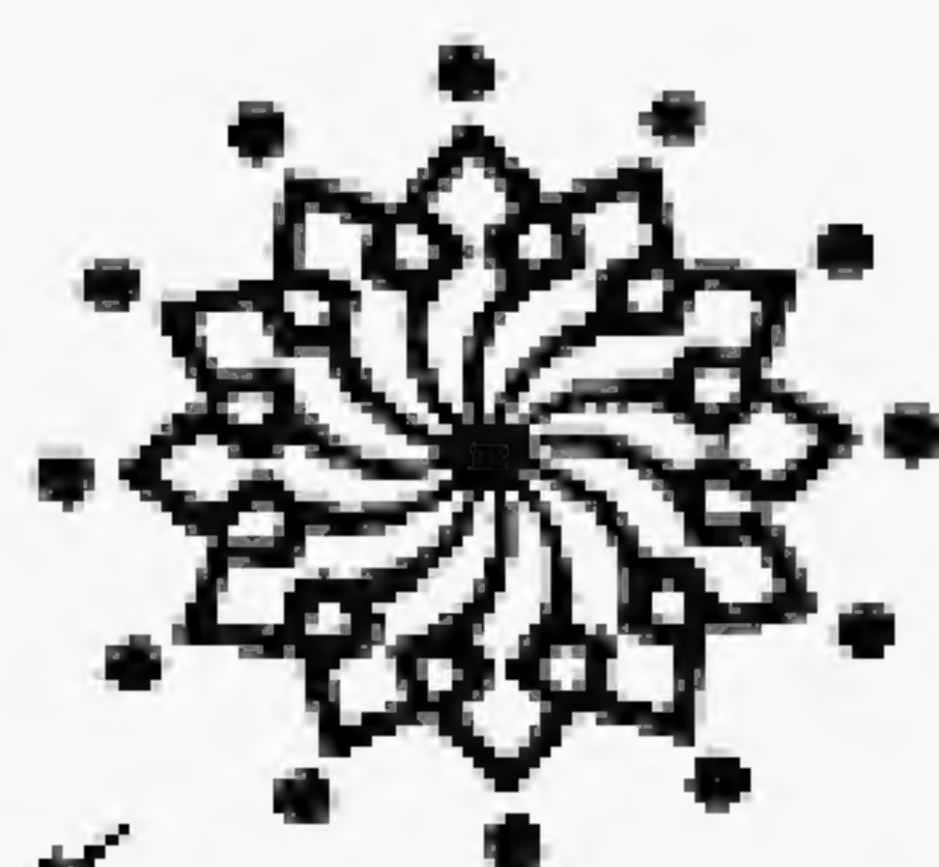
مركز تحقیق تکمیل و ترویج علوم اسلامی

اخبار الاحیاء فی اسرار الابرار

عبدالحق محدث دہلوی



مرکز تحقیقات اسلامی
علیم اشرف خان



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

۱۳۸۳

سلسله انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
شماره ۳۲۰

محدث دهلوی، عبدالحق، ۹۵۸ - ۱۰۵۲ ق
اخبارالاخیار فی اسرارالابرار / عبدالحق محدث دهلوی؛ تصحیح و توضیح
علیم اشرف خان. -- تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳.
۶۸۶ ص. -- (سلسله انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی؛ شماره ۳۲۰)
ISBN : 964-7874-71-5

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. [۶۸۱] - ۶۸۶.

نمایه.

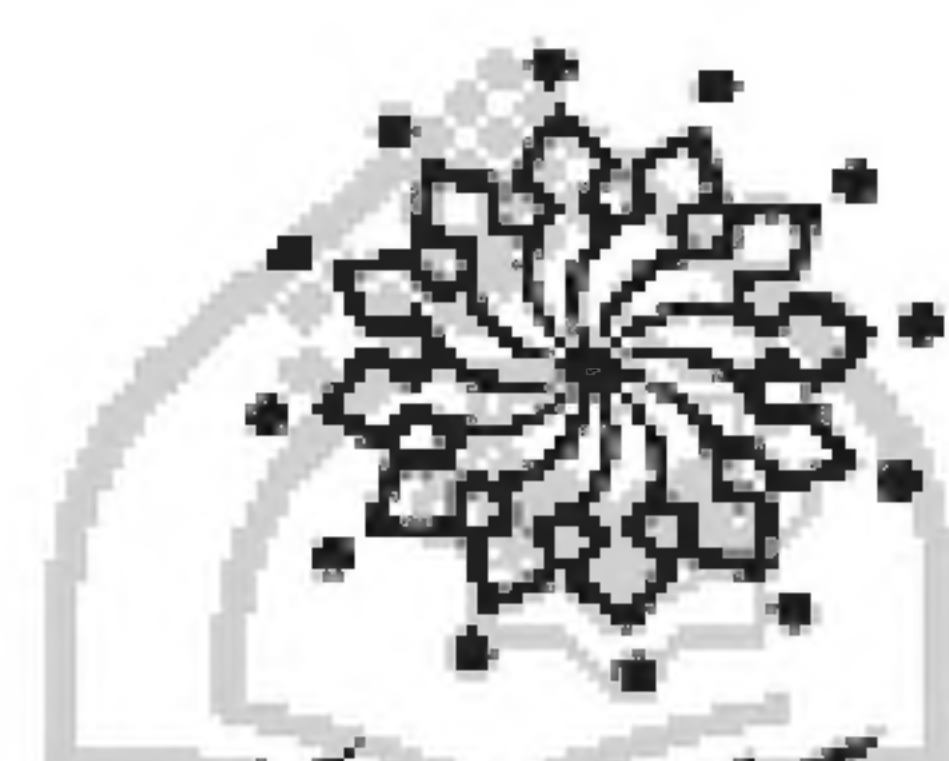
۱. عارفان -- سرگذشتنامه. ۲. تصوف. الف. اشرف خان، علیم، مصحح. ب. انجمن
آثار و مفاخر فرهنگی. ج. عنوان.

۲۹۷/۸۹۲

BP۲۷۸/م۲۶۳

۸۳.۳۵۶۷۳ م

کتابخانه ملی ایران



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
مرکز تحقیقات و مکتب‌خانه ملی
اخبارالاخیار فی اسرارالابرار

عبدالحق محدث دهلوی

تصحیح و توضیح

علیم اشرف خان

ویراستار: دکتر اسدالله کفافی

نمونه خوان: ولی الله محمدی

ناظر فنی چاپ: محمد رفوف مرادی

چاپ اول، ۱۳۸۳ □ شمارگان ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران

حق چاپ برای انجمن آثار و مفاخر فرهنگی محفوظ است

دفتر مرکزی: تهران - خیابان ولی عصر - پل امیربهادر - خیابان سرگرد بشیری (بوعلی) - شماره ۱۰۰

تلفن: ۵۳۷۴۵۳۱.۳، دورنویس: ۵۳۷۴۵۳۰

دفتر فروش: خیابان انقلاب بین خیابان ابوریحان و خیابان دانشگاه - ساختمان فروردین - شماره ۱۳۰۴،

طبقه چهارم - شماره ۱۲، تلفن: ۶۴۰۹۱۰۱

شابک: ۹۶۴-۷۸۷۴-۷۱-۵ ISBN : 964-7874-71-5

قیمت: ۶۸۰۰ تومان

پیشگفتار انجمن

به نام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه برنگذرد

اگر گفته شود که میان مردم جهان، هیچ مردمی چون مردم دو کشور ایران و هندوستان از نظر ویژگی‌های اخلاقی و فرهنگی به هم شباهت ندارند، گرافه نخواهد بود. در این باره مرحوم علی اصغر حکمت در اله آباد هند در حین سخنرانی ارتجالاً تمثیلی بر زبان آورده است که جواهر لعل نهرو نخست وزیر دانشمند هند در کتاب خود کشفِ هند همان مثال را تکرار کرده است. مرحوم حکمت گفته است:

«در آن روزگار دیرین دو برادر نوجوان از خانهٔ پدری خویش بیرون آمدند و در کنار جهان هر یک از راهی برفتند، یکی به سوی خاور رهسپار شد و دیگری راه باختر را در پیش گرفت. گذشت روزگار آن هر دو را از یکدیگر آنچنان جدا ساخت که زادگان ایشان را هر یک نامی و نشانی دیگر پیش آمد و کمتر از پدران خود یاد کردند. از آن گذشتهٔ دیرین و روزگار شیرین که نیاکان آنها در کانون خانوادگی گد یکدیگر بودند، یادگاری به جای نماند، تنها ترانه و سرودی چند از آن روزهای کهن به یاد ایشان مانده بود که به نوای ساز می‌سرودند و سینه به سینه و دهان به دهان از پدران به فرزندان رسیده بود. پس از سالیانی دراز، دست روزگار برخی از آن برادرزادگان را ناگهان با یکدیگر

روبرو ساخت. در آغاز یکدگر را نشناختند و همدگر را بیگانه پنداشتند. مگر یک تن از ایشان آن سرود خانوادگی کهن را بنواخت و آن ترانه نیاکانی را بسرود، آن دیگری چون بشنید شناخت. هر دو را دلها در سینه به طپش افتاد و چون دانستند که خون و رگ و ریشه آنها یکی است، همدگر را در آغوش گرفته، بر سر و روی یکدگر بوسه هازدند و بر آن گذشته تاریک که از یکدگر دور مانده بودند اشکهای پشیمانی از دیده بر رخسار روان ساختند. اینک ما (مردم ایران و هند) همان برادرزادگانیم که بار دیگر با یکدگر گرد آمده ایم، پریشانی و دوری ما از میان برخاسته و نزدیکی و دوستی به جای آن نشسته است. (۱)

در زمینه های فرهنگی، چنانکه مرحوم حکمت به تمثیل بیان کرده، این شباهت زیادتر است. از نظر تاریخی، سومین کتاب معروف در تصوف، یعنی کشف المحجوب را ابوالحسن علی بن عثمان هجویری غزنوی، در گذشته ۴۶۴ هـ تدوین کرده است. قدیم ترین تذکره یی که در ترجمه احوال شعرای فارسی گوی به دست ما رسیده، لباب الالباب سدیدالدین محمد عوفی بخاری در ۶۱۸ هـ در هند به نام حسین بن شرف الملک، وزیر ناصرالدین قباچه تألیف شده است.

تذکره نویسی و فرهنگ نویسی به زبان فارسی در هند سخت رایج بود. تذکره روز روشن از مولوی محمد مظفر حسین صهبا، تذکره میخانه از ملا عبدالنبی فخرالزمانی قزوینی، حقیقه الاولیا از سید عبدالقادر بن سید هاشم بن سید محمد تقوی، شعرالعجم از شبلی نعمانی، مآثر رحیمی از عبدالباقی نهاوندی و... دهها تذکره معروف دیگر مانند ریاض الشعرا از واله داغستانی، و فرهنگ زمان گویا از بدر ابراهیم، برهان قاطع، غیاث اللغات، چراغ هدایت، منتخب اللغات، آندراج و دهها فرهنگ دیگر دلیل این مدعاست.

در کنار تذکره نویسی، در میان صوفیان هند ملفوظات نویسی رواج داشت. برخی از صوفیان در محافل خود سخنان مرشد خود را ثبت می کردند. این کار در میان مولویه هم رایج بود، مقالات شمس الدین تبریزی، مجالس سبعه مولانا جلال الدین و فیه مافیه از این طریق پدید آمده است. در میان ملفوظات صوفیان هند، فواید الموائد تألیف خواجه میرمحسن علاء سجزی دهلوی، خیرالمجالس از حمید قلندر معروف تر از همه اند. اولی حاوی سخنان نظام الدین اولیا و دومی دربرگیرنده سخنان حضرت شیخ نصیرالدین محمود چراغ دهلوی است.

یکی از محدثان، محققان و مورخان هند که آثار متعددی از خود بر جای گذاشته، عبدالحق بن سیف الدین بن سعدالله ترک بخاری دهلوی است. خانواده او از بخارا به دهلوی کوچیده اند، عبدالحق در ۹۵۸ ه در دهلوی به دنیا آمده، پس از تحصیل، به تصوف روی آورد و به طریقت قادریه پیوست. عبدالحق از مؤلفان پر اثر بود، چنانکه بعضی تعداد آثار او را متجاوز از صد جلد می دانند. عبدالحق شعر هم می گفت و «حقّی» تخلص می کرد. عبدالحق در اوایل با شیخ احمد سرهندی معروف به مجدد الف ثانی اختلاف پیدا کرد، اما بعد به معتقدان و ستاینندگان او پیوست.

شیخ عبدالحق تاریخی به نام تاریخ حقّی در ۱۰۰۵ ه تألیف کرده است. آنچه در این تاریخ که از منابع تاریخی پیش از خود استفاده کرده است اهمیت دارد، شرح وقایع چهل و دو سال اول سلطنت اکبر شاه است که مؤلف مشهودات خود را ثبت کرده است. اثر دیگر عبدالحق، اخبارالاخیار فی اسرارالابرار اوست که در آن احوال دویست و سی تن از صوفیان آمده است. در پایان کتاب شرح حال پدر خود و خود را هم افزوده است. این کتاب از نظر سادگی زبان و پرداختن به کرامات خارق العاده دارای اهمیت است و از کتب معتبر شمرده می شود. راقم این پیشگفتار به هنگام اقامت در دانشگاه جواهر لعل نهرو و تدوین نگاهی به تاریخ ادب فارسی در هند با این کتاب انس دیرینه داشت. چون شنید که استاد پروفیسور شریف حسین قاسمی از دانشوران سخت کوش و

از استادان برجسته زبان فارسی در هند تصحیح مجدد کتاب را به آقای دکتر علیم اشرف خان به عنوان پایان نامه تعیین کرده‌اند، خوشحال نشد. صفحاتی از اشکالات کتاب را در دانشگاه دهلی با آقای علیم اشرف خان به مشاوره پرداخت. خوشبختانه تصحیح کتاب به نحو احسن پایان گرفت. جای این کتاب با امکانات امروزی چاپ واقعاً خالی بود. خوشحالم که اینک کتاب به صورت پسندیده در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

توفیق ه. سبجانی

عضو شورای علمی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی



مرکز تحقیقات کتب و اسناد خطی

فهرست مطالب

عبدالحق محدّث دهلوی: زندگی و تحصیل	یست و یک
[آغاز رساله]	۱
[طبقه اوّل]	۱۷
شیخ الاسلام محیی الدّین ابومحمّد عبدالقادر الحسینی الحسینی الجیلانی	۱۷
معین الحق و المّلة والدّین حسن الحسینی سجّزی - قدّس سرّه	۴۳
خواجه قطب الدّین بختیار کاکی اوشی - قدّس سرّه	۴۷
شیخ الاسلام بهاء الدّین ابومحمّد زکریّا الملتانی القرشی الاسدی - رحمة الله علیه - ..	۵۰
سیّد نورالدّین مبارک غزنوی - رحمة الله علیه -	۵۴
شیخ حمید الدّین الصّوفی السّعیدي النّاگوری السّوالی - رحمة الله تعالى علیه - ..	۵۶
قاضی حمید الدّین ناگوری	۷۰
شیخ جلال الدّین تبریزی - قدّس سرّه -	۸۳
شیخ نظام الدّین ابوالموئید - قدّس الله سرّه العزیز -	۸۷
شیخ برهان الدّین محمود بن ابی الخیر اسعد البلخی - رحمة الله علیه -	۸۸
شیخ احمد نهروانی - رحمة الله علیه -	۸۹
شیخ محمّد ترک نارنولی - رحمة الله علیه -	۸۹
شیخ ترک بیابانی مشهور به شاه ترکمانی صاحب - رحمة الله علیه -	۹۱
شیخ شاهي موی تاب - رحمة الله علیه -	۹۱
شیخ بدرالدّین موی تاب - رحمة الله علیه -	۹۳

- ۹۳ خواجه محمود موئینه دوز - رحمة الله عليه -
- ۹۳ مولانا مجد الدین حاجی - رحمة الله عليه -
- ۹۴ شاه خضر - رحمة الله عليه -
- ۹۴ شیخ بدر الدین غزنوی - رحمة الله عليه -
- ۹۵ خواجه بُست -
- ۹۶ مولانا ناصح الدین - رحمة الله عليه -
- ۹۶ شیخ فخر الدین غزنوی - قدس سره -
- ۹۷ طبقة دوم -
- ۹۷ در ذکر شیخ فرید الحق والملة والدين گنج شکر و معاصران و مریدان ایشان
- ۹۷ شیخ فرید الدین مسعود - قدس سره العزیز -
- ۱۰۳ شیخ نظام الحق والدين محمد بدايوني - قدس سره -
- ۱۱۳ شیخ نجیب الدین متوکل - قدس سره -
- ۱۱۵ سید جلال الدین بخاری - قدس الله سره العزیز -
- ۱۱۶ شاه گردیز - قدس سره العزیز -
- ۱۱۶ شیخ صدر الدین - رحمة الله عليه -
- ۱۲۰ شیخ رکن الدین ابوالفتح - رحمة الله عليه -
- ۱۲۶ شیخ صلاح الدین درویش - رحمة الله عليه -
- ۱۲۷ مولانا بدر الدین اسحق - رحمة الله عليه -
- ۱۲۸ شیخ جمال الدین احمد هانسوی الخطیب [رحمة الله عليه]
- ۱۳۱ شیخ برهان الدین صوفی -
- ۱۳۲ شیخ عارف -
- ۱۳۲ شیخ صابر -
- ۱۳۳ خواجه نصیر الدین - رحمة الله عليه -
- ۱۳۳ مولانا شهاب الدین [رحمة الله عليه]
- ۱۳۴ شیخ بدر الدین سلیمان [رحمة الله عليه]
- ۱۳۵ خواجه نظام الدین [رحمة الله عليه]

- ۱۳۵ خواجه یعقوب - رحمة الله عليه
- ۱۳۶ مولانا داود پالهي - رحمة الله عليه
- ۱۳۶ مولانا رضي الدين منصور - رحمة الله عليه
- ۱۳۷ مولانا كمال الدين زاهد [رحمة الله عليه]
- ۱۳۷ شيخ نور الدين - رحمة الله عليه
- ۱۳۹ شيخ ضياء الدين رومي - رحمة الله عليه
- ۱۳۹ شيخ شرف الدين كرماني [رحمة الله عليه]
- ۱۴۰ سيدي موله [رحمة الله عليه]
- ۱۴۰ شيخ ابوبكر طوسي حيدري [رحمة الله عليه]
- ۱۴۱ شيخ فريد الدين [رحمة الله عليه]
- ۱۴۲ شيخ عبدالعزيز [رحمة الله عليه]
- ۱۴۲ شيخ علي كرد [رحمة الله عليه]
- ۱۴۳ مولانا نور ترك [رحمة الله عليه]
- ۱۴۴ مولانا مخلص الدين [رحمة الله عليه]
- ۱۴۵ خواجه علي
- ۱۴۶ خواجه حسن افغان [رحمة الله عليه]
- ۱۴۶ شيخ تقى الدين محمد [رحمة الله عليه]
- ۱۴۷ شيخ برهان الدين نسفي [رحمة الله عليه]
- ۱۴۷ مولانا علاء الدين اصولي بدايوني [رحمة الله عليه]
- ۱۴۹ شمس الملك - قدس الله سره
- ۱۴۹ قاضي جمال بدايوني ملتاني [رحمة الله عليه]
- ۱۵۰ شيخ صوفي بلهني - قدس الله سره
- ۱۵۱ شيخ شهاب الدين خطيب هانسوي [رحمة الله عليه]
- ۱۵۲ شيخ احمد بدايوني [رحمة الله عليه]
- ۱۵۲ شيخ قاضي منهاج جرجاني [رحمة الله عليه]
- ۱۵۳ مولانا احمد حافظ [رحمة الله عليه]

- طبقة سوم ۱۵۴
- از زمانه شیخ نصیرالدین محمود چراغ دهلی و اهل زمان ایشان و هكذا هذا الترتیب
الى عصرنا هذا رحمة الله عليهم اجمعين ۱۵۴
- شیخ نصیرالدین محمود ۱۵۴
- شیخ سراج الدین عثمان ۱۶۷
- شیخ قطب الدین منور ۱۶۹
- شیخ نورالدین [رحمة الله عليه] ۱۷۲
- شیخ حسام الدین ملتانی [رحمة الله عليه] ۱۷۳
- مولانا فخرالدین زرادی ۱۷۶
- مولانا فخرالدین مروزی ۱۷۹
- مولانا علاء الدین نیلی ۱۸۰
- شیخ برهان الدین غریب - قدس سره ۱۸۱
- مولانا علی شاه جاندار - قدس الله سره ۱۸۳
- شیخ علاء الدین بن شیخ بدرالدین سلیمان - قدس سره ۱۸۳
- خواجه محمد [قدس سره] ۱۸۵
- خواجه عزیزالدین صوفی [قدس سره] ۱۸۶
- خواجه تقی الدین نوح [قدس سره] ۱۸۶
- سید محمد بن سید محمود کرمانی ۱۸۷
- سید محمد [رحمة الله عليه] ۱۸۷
- مولانا شمس الدین یحیی - قدس سره ۱۸۸
- قاضی محیی الدین کاشانی - قدس سره ۱۹۰
- مولانا وجیه الدین یوسف - قدس سره ۱۹۱
- مولانا وجیه الدین پایلی - رحمة الله عليه ۱۹۲
- امیر خسرو دهلوی - رحمة الله عليه ۱۹۲
- امیر حسن بن علاء سجزی دهلوی ۱۹۶
- خواجه شمس الدین [قدس سره] ۲۰۰

- ۲۰۱ خواجه ضياء الدين برنی [قدس سره]
- ۲۰۴ خواجه ضياء نخشبی [قدس سره]
- ۲۱۳ خواجه ضياء الدين سنائی [قدس سره]
- ۲۱۳ مولانا جلال الدين اودهی [قدس سره]
- ۲۱۴ خواجه مؤيد الدين كره ای
- ۲۱۵ شيخ نظام الدين شیرازی - رحمة الله عليه
- ۲۱۵ خواجه شمس الدين دهاری - قدس الله سره
- ۲۱۵ خواجه احمد بدايونی - قدس سره
- ۲۱۶ مولانا حميد [قدس سره]
- ۲۲۲ شيخ حسام الدين [قدس سره]
- ۲۲۳ شيخ حسام الدين سوخته [قدس سره]
- ۲۲۴ خواجه معين الدين خرد - رحمة الله عليه
- ۲۲۷ خواجه احمد - رحمة الله عليه
- ۲۲۸ خواجه وحيد - رحمة الله عليه
- ۲۲۹ شيخ بدر الدين سمرقندی - رحمه الله عليه
- ۲۲۹ شيخ ركن الدين فردوسی - رحمة الله عليه
- ۲۳۰ شيخ نجيب الدين فردوسی - رحمة الله عليه
- ۲۳۰ شيخ شرف الدين احمد - رحمة الله عليه
- ۲۴۱ شيخ حسن - عليه الرحمة
- ۲۵۵ شيخ شرف الدين پانی پتی - قدس الله تعالى سره
- ۲۶۲ شيخ عثمان سیاح - قدس الله سره
- ۲۶۲ شيخ ابوبكر موی تاب - قدس سره
- ۲۶۳ شيخ شهاب الدين حقگو - رحمة الله عليه
- ۲۶۳ سيد محمد - رحمة الله عليه
- ۲۷۳ سيد محمد بن جعفر - رحمة الله عليه
- ۲۸۵ سيد جلال الدين بخاری - رحمة الله عليه

- ۲۸۷ شیخ علاء الحق والدين بن اسعد لاهورى بنگالى - رحمة الله عليه
- ۲۸۸ مولانا خواجگى - رحمة الله عليه
- ۲۹۰ مولانا معين الدين عمرانى - رحمة الله عليه
- ۲۹۰ مولانا احمد تھانیسرى - رحمة الله عليه
- ۲۹۳ شیخ صدرالدين حكيم - رحمة الله عليه
- ۲۹۸ شیخ سراج الدين بن عالم بن قوام الدين ملتانى - رحمة الله عليه
- ۲۹۹ سيد تاج الدين شیرسوار - قدس الله سره
- ۳۰۰ قاضى شمس الدين شیبانى - رحمة الله عليه
- ۳۰۱ سيد يوسف بن سيد جمال الحسينى - رحمة الله عليه
- ۳۰۱ قاضى عبدالمقتدر - رحمة الله عليه
- ۳۰۵ زين الدين - رحمة الله عليه
- ۳۰۵ شیخ نورالحق والدين - رحمة الله عليه
- ۳۱۰ سيد صدرالدين راجو قتال بخارى - قدس الله سره
- ۳۱۰ خواجه اختيارالدين عمر ايرجى - رحمة الله عليه
- ۳۱۱ شیخ يوسف بده ايرجى - قدس سره
- ۳۱۱ شیخ قوام الدين - رحمة الله عليه
- ۳۱۲ شیخ سارنگ - قدس سره
- ۳۱۲ شیخ ميتا - رحمة الله عليه
- ۳۱۴ شیخ احمد كهتو - قدس الله تعالى سره
- ۳۲۱ قطب عالم [قدس سره]
- ۳۲۲ شاه عالم [قدس سره]
- ۳۲۳ داوودالملک - قدس الله سره
- ۳۲۴ قاضى محمود - قدس سره
- ۳۲۵ شیخ وجیه الدين - قدس الله سره
- ۳۲۵ شیخ علاء الدين قريشى - قدس الله سره
- ۳۲۶ شیخ ابو الفتح علانى قريشى - رحمة الله تعالى عليه

- ۳۲۶ شیخ سراج سوختہ - رحمۃ اللہ علیہ -
- ۳۲۷ شیخ بدیع الدین مدار - قدس سرہ -
- ۳۲۸ شیخ سخائی - رحمۃ اللہ علیہ -
- ۳۲۹ مولانا تقی الدین اودھی - قدس سرہ -
- ۳۳۰ شیخ رفیع الدین - قدس سرہ -
- ۳۳۰ شیخ انوار - رحمۃ اللہ علیہ -
- ۳۳۰ میر سید اشرف سمناٹی - قدس سرہ -
- ۳۳۴ شیخ فتح اللہ اودھی - قدس سرہ -
- ۳۳۶ مسعود بک - قدس سرہ -
- ۳۴۲ سید ید اللہ - رحمۃ اللہ علیہ -
- ۳۴۳ شیخ پیارہ - قدس سرہ -
- ۳۴۴ شاہ جلال گجراتی - قدس اللہ سرہ -
- ۳۴۵ شیخ محمد مٹاؤ [قدس سرہ] -
- ۳۴۶ شیخ سعد اللہ - قدس سرہ -
- ۳۴۷ شیخ رزق اللہ - قدس سرہ -
- ۳۴۸ شیخ ابو الفتح جونپوری - قدس اللہ تعالیٰ سرہ -
- ۳۴۹ شیخ تقی - قدس اللہ تعالیٰ سرہ -
- ۳۵۰ سید شمس الدین طاہر - قدس اللہ تعالیٰ سرہ -
- ۳۵۰ شیخ عبداللہ شطاری - قدس اللہ تعالیٰ سرہ -
- ۳۵۱ شیخ حسام الدین مانکپوری - قدس اللہ تعالیٰ سرہ -
- ۳۵۲ مولانا جلال الدین مانکپوری - رحمۃ اللہ علیہ -
- ۳۵۵ مولانا خواجہ - قدس سرہ -
- ۳۵۶ شیخ کالو - قدس سرہ -
- ۳۵۶ مولانا شیخ حاکم - قدس اللہ تعالیٰ سرہ -
- ۳۵۷ شیخ علی پیرو - قدس سرہ -
- ۳۵۸ شیخ محمد عیسیٰ - قدس اللہ تعالیٰ سرہ -

- ۳۵۹ قاضی شہاب الدین دولت آبادی - قدس اللہ تعالیٰ سرہ -
- ۳۶۱ قاضی نصیر الدین گنبدی - قدس سرہ -
- ۳۶۲ شاہ میان جیو - قدس سرہ -
- ۳۶۳ شیخ کبیر - قدس سرہ -
- ۳۶۳ خواجہ حسین ناگوری - قدس سرہ -
- ۳۶۶ شیخ احمد مجد شیبانی - رحمۃ اللہ تعالیٰ علیہ -
- ۳۷۱ شیخ حمزہ دھر سوی - قدس سرہ -
- ۳۷۳ شیخ احمد عبدالحق - قدس اللہ تعالیٰ سرہ -
- ۳۷۸ شیخ صلاح درویش - قدس سرہ -
- ۳۷۸ شیخ جمال گوجری - قدس سرہ -
- ۳۷۹ شیخ بختیار - رحمۃ اللہ علیہ -
- ۳۸۱ شیخ عارف - قدس سرہ -
- ۳۸۲ شاہ داود - قدس اللہ سرہ -
- ۳۸۳ شاہ نور - قدس سرہ -
- ۳۸۵ شیخ سعد الدین خیر آبادی - قدس اللہ تعالیٰ سرہ -
- ۳۸۶ شاہ سیدو - قدس سرہ -
- ۳۸۷ راجی حامد شہ - قدس اللہ سرہ -
- ۳۸۸ راجی سید نور - قدس اللہ سرہ -
- ۳۸۸ شیخ حسن طاہر - قدس اللہ سرہ -
- ۳۹۲ مولانا الہ داد - قدس سرہ -
- ۳۹۳ شیخ معروف جونپوری - قدس اللہ سرہ -
- ۳۹۳ شیخ بہاء الدین جونپوری - قدس اللہ سرہ -
- ۳۹۴ شیخ بہاء الدین - قدس اللہ سرہ -
- ۳۹۹ شیخ بدھن شطاری - قدس سرہ -
- ۳۹۹ مخدوم مولانا عماد الدین غوری - قدس اللہ سرہ -
- ۴۰۱ شیخ علم الدین حاجی - رحمۃ اللہ علیہ -

- مخدوم، شیخ محمد الحسینی الجیلانی الاجی - رحمۃ اللہ علیہ - ۴۰۱
- مخدوم، شیخ عبدالقادر - رحمۃ اللہ علیہ - ۴۰۳
- شیخ عبدالرزاق - رحمۃ اللہ علیہ - ۴۰۹
- سید زین العابدین - رحمۃ اللہ علیہ - ۴۰۹
- مخدوم شیخ حامد - رحمۃ اللہ علیہ - ۴۱۰
- شیخ داود - رحمۃ اللہ علیہ - ۴۱۱
- میر سید اسمعیل - رحمۃ اللہ علیہ - ۴۱۳
- شاہ قصص - رحمۃ اللہ علیہ - ۴۱۴
- مولانا سماء الدین - رحمۃ اللہ علیہ - ۴۲۰
- شیخ عبداللہ بیابانی - رحمۃ اللہ علیہ - ۴۲۴
- سید کبیر الدین حسن - رحمۃ اللہ علیہ - ۴۲۵
- شیخ حسام الدین متقی ملتانی - رحمۃ اللہ علیہ - ۴۲۵
- شاہ عبداللہ قریشی - رحمۃ اللہ علیہ - ۴۲۷
- شیخ حاجی عبدالوہاب بخاری - رحمۃ اللہ علیہ - ۴۲۹
- شاہ جلال شیرازی - قدس اللہ تعالیٰ علیہ - ۴۴۱
- شاہ احمد شرعی ترکی - قدس اللہ تعالیٰ سرہ - ۴۴۲
- شیخ سلیمان - رحمۃ اللہ علیہ - ۴۴۴
- شیخ عبدالقدوس - قدس اللہ سرہ - ۴۴۵
- شیخ امجد دہلوی - قدس سرہ - ۴۵۰
- شیخ ادھن دہلوی - قدس سرہ - ۴۵۰
- شیخ یوسف قتال - قدس سرہ - ۴۵۱
- مولانا شعیب - قدس سرہ - ۴۵۲
- ملک زین الدین و وزیر الدین - قدس اللہ سرہما - ۴۵۳
- شیخ جمالی - قدس سرہ - ۴۵۶
- سید شاہ میرک - قدس اللہ سرہ - ۴۵۹
- سید حسین پای مناری - قدس سرہ - ۴۶۰

- ٤٦١ شيخ يوسف جريّا كوتى - قدّس سرّه -
- ٤٦١ شيخ خانو گواليرى - قدّس سرّه -
- ٤٦٢ شيخ علاء الدين - رحمة الله عليه -
- ٤٦٣ سيّد سلطان بهرائچى - قدّس سرّه -
- ٤٦٤ سيّد علاء الدين - قدّس سرّه -
- ٤٦٥ سيّد على بن قوام - رحمة الله عليه -
- ٤٦٦ شيخ ادهن جونپورى - قدّس سرّه -
- ٤٦٧ ميان قاضى خان ظفرآبادى [قدّس سرّه] -
- ٤٦٩ شيخ محمد مودود لارى - قدّس الله تعالى سرّه -
- ٤٧٠ شيخ محمد حسن - رحمة الله عليه -
- ٤٧٤ شاه عبدالرزاق جهتجهانه - قدّس سرّه -
- ٤٨٤ شيخ امان يافى پتى [رحمة الله عليه] -
- ٤٨٧ شيخ تاج الدين بن زكريا اجودهنى - قدّس سرّه -
- ٤٨٨ شيخ سيف الدين - رحمة الله عليه -
- ٥٠٠ سلطان جلال الدين قريشى - رحمة الله عليه -
- ٥٠٣ مير سيّد ابراهيم - رحمة الله عليه -
- ٥٠٤ سيّد رفيع الدين صفوى - رحمة الله عليه -
- ٥٠٦ شيخ بهاء الدين مفتى آگره - رحمة الله عليه -
- ٥٠٦ شيخ حاجى حميد - رحمة الله عليه -
- ٥٠٧ مير سيّد عبدالوهاب - رحمة الله عليه -
- ٥٠٨ مير سيّد عبدالاول - رحمة الله عليه -
- ٥٠٩ نقل از رساله معرفت نفس -
- ٥١٦ شيخ على بن حسام الدين - رحمة الله عليه -
- ٥٢٢ سيّد الشيخ عبدالوهاب المتقى القادرى الشاذلى - رحمة الله عليه -
- ٥٥٧ شيخ عزيز متوكّل - رحمة الله عليه -
- ٥٥٨ مخدوم جيو قادري - رحمة الله عليه -

- ۵۵۹ میان غیاث - رحمة الله عليه -
- ۵۵۹ میان محمد طاهر - رحمة الله عليه -
- ۵۶۰ شیخ عبداللہ و شیخ رحمت اللہ - رحمة الله عليهما -
- ۵۶۱ شیخ حسین - رحمة الله عليه -
- ۵۶۳ شیخ عبدالعزیز بن حسن طاهر - رحمة الله عليه -
- ۵۶۵ شیخ جنید حصاری - رحمة الله عليه -
- ۵۶۵ میان نجم الدین مندوی - رحمة الله عليه -
- ۵۶۶ شیخ برهان کالپی - رحمة الله عليه -
- ۵۶۶ شیخ سلیم بن بہاء الدین - رحمة الله عليه -
- ۵۶۸ شیخ نظام الدین انبیتھی - رحمة الله عليه -
- ۵۶۹ شیخ جلال الدین قنوجی المشہور بہ للا - رحمة الله عليه -
- ۵۶۹ شیخ جلال الدین تھانیسری الکابلی - رحمة الله عليه -
- ۵۷۰ شیخ اسحق - رحمة الله عليه -
- ۵۷۱ شیخ عبدالغفور مانو - رحمة الله عليه -
- ۵۷۲ مولانا درویش محمد واعظ - رحمة الله عليه -
- ۵۷۳ مولانا یحیی - رحمة الله عليه -
- ۵۷۴ ذکر بعضی مجاذیب بی ملاحظہ تقدّم و تأخر
- ۵۷۴ شاہ ابوالغیب بخاری - رحمة الله عليه -
- ۵۷۵ میان معروف - رحمة الله عليه -
- ۵۷۵ شیخ علاء الدین مجذوب - رحمة الله عليه -
- ۵۷۷ مسعود نخاسی - قدس سرہ -
- ۵۷۸ شیخ حسن مجذوب - قدس سرہ -
- ۵۷۸ شیخ حسن بودله دهلوی - قدس سرہ -
- ۵۷۹ شیخ عبداللہ ابدال دهلوی - رحمة الله عليه -
- ۵۸۰ میان مونگر - قدس سرہ -
- ۵۸۱ بابا کپور مجذوب - رحمة الله عليه -

۵۸۱ میان یابین مجذوب - قدس سره -
۵۸۳ آله دین مجذوب - قدس سره -
۵۸۵ شاه منصور - قدس سره -
۵۸۶ شیخ یوسف - قدس سره -
۵۸۷ سوبهن مجذوب - قدس سره -
۵۸۸ ذکر بعضی از نسای صالحات
۵۸۸ بی بی ساره - رحمة الله علیها -
۵۸۸ بی بی فاطمه سام - رحمة الله علیها -
۵۹۱ والدۀ شیخ فریدالدین گنج شکر - رحمة الله علیهما -
۵۹۲ بی بی زلیخا - رحمة الله علیها -
۵۹۴ بی بی اولیا - رحمة الله علیها -
۵۹۵ تکمله
۵۹۵ بیان اجداد حضرت شیخ محدث - رحمة الله علیه -
۶۴۹ فهرست اشخاص
۶۶۸ فهرست اماکن
۶۷۵ فهرست کتب
۶۷۹ منابع و مأخذ

عبدالحق محدث دهلوی زندگی و تحصیل

شیخ عبدالحق محدث دهلوی از معروف‌ترین عالمان زمان خود بوده است. شیخ دهلوی دربارهٔ اجداد خود می‌نویسد که آقا محمد ترک جد امجد او بود، در زمان سلطان علاءالدین خلجی (۱۲۹۶ - ۱۳۱۶ م) از بخارا به دهلی هجرت کرده بود و علت مهاجرت محمد ترک، تاخت و تاز ترکان در قرن سیزدهم میلادی / هفتم هجری قمری در آسیای مرکزی بود. عبدالحق در اخبارالاخیار این واقعه را چنین توضیح داده است: «جماعت کثیر از اتراک که پیوند قرابت و رابطهٔ بیعت و خدمت به وی داشتند نیز، از وطن اصلی انتقال نموده در ملازمت او در این دیار رسیده.^۱»

سلطان علاءالدین خلجی از آقا محمد ترک حمایت کرد و مقامی بلند به او بخشید و او را برای تسخیر گجرات فرستاد. وی گجرات را فتح کرد و به امر سلطان، آنجا را اقامتگاه خود ساخت. او صد و یک پسر داشت که همه فوت کردند و تنها پسری که نامش ملک معزالدین بود، زنده ماند. آقا محمد ترک گجرات را ترک گفت و به دهلی شریف آورد و در همین شهر در سال ۷۳۸ هجری / ۱۳۳۸ م. فوت کرد و پشت عیدگاه شمسی به خاک سپرده شد. نسل آقا محمد ترک با ملک معزالدین ادامه پیدا کرد و از ملک موسی، شیخ فیروز، شیخ سعدالله، شیخ رزق‌الله مشتاقی^۲، تا شیخ سیف‌الدین که پدر شیخ عبدالحق بود، رسید. شیخ عبدالحق دربارهٔ مرتبه و مقام والد و هم خود

۱. اخبارالاخیار، ص ۲۸۹.

۲. شیخ رزق‌الله مشتاقی، شاعر معروف فارسی بود. او در فارسی مشتاقی و در سانسکریت نجن تخلص می‌کرد.

می نویسد: «مردم این شهر اتفاق دارند که دهلی عبارت از این برادران بود.^۱»
 شیخ محدث از خانواده علما و اهل الله بود، و شیخ سیف الدین، پدر شیخ عبدالحق
 دهلوی در سال ۹۲۰ هجری / ۱۵۱۵-۱۵۱۳ م. در دهلی متولد شد. سیف الدین مرید
 شیخ امان الله پانی پتی بود و شیخ امان الله پانی پتی را پیر کامل و خضر طریقت می گفت.^۲
 به مناسبت اسم خود سیفی تخلص می کرد. عبدالحق نوشته است که والد او شیخ
 سیف الدین مثنوی در پانصد بیت را تنها در یک شب سرود.^۳ سیف الدین در ۲۷ شعبان
 سال ۹۹۰ هجری / ۱۵۸۲ م. از دار فانی رحلت فرمود. شیخ عبدالحق در سال ۹۵۷
 هجری / ۱۵۵۱ م. در عهد سلطنت اسلام شاه سوری (زمان اوج نهضت مهدوی) در
 دهلی متولد شد.

مرحوم پروفیسور خلیق احمد نظامی در حیات شیخ عبدالحق محدث دهلوی^۴ نوشته
 است: «تسلیم شاه، شیخ علائی، مخدوم الملک عبد الله سلطان پوری و شیخ بدها فقط
 چهار اسم نبودند، بلکه چهار عنصر نهضت بودند که نقش مهمی در سال های بعد در
 ساختن و بیداری محیط اجتماعی و دینی در هند را ایفا کرده اند.»

عبدالحق تحصیلات مقدماتی را نزد والد خود فراگرفت و قرآن و بوستان سعدی و
 دیوان حافظ را تمام کرد. هجده ساله بود که علوم عقلی و نقلی را به پایان رسانید.
 عبدالحمید لاهوری در پادشاه نامه نوشته است: «شیخ عبدالحق بعد از تکمیل علوم عقلی
 و نقلی به تدریس اشتغال ورزید.»^۵ عبدالحق در سال ۹۹۵-۹۹۶ ه. / ۱۵۸۷ م. به
 حرمین شریفین سفر کرد و چون جلال الدین محمد اکبر پادشاه غازی در سال
 ۹۸۲-۹۸۳ هجری / ۱۵۷۵ م. عبادت خانه را بنا کرد، به نظر شیخ عبدالحق، اکبر شاه
 این عبادت خانه را برای بازی با دین اسلام بنا کرده بود و اموری که مربوط به

۱. اخبارالاحیاء فی الاسرارالابرار، ص ۲۹۱.

۲. والد را به عنایت مخصوص ساخت و خرقه خلافت پوشانید و مثال خلافت تا چند روز به خط
 خاص خود مستوده کرد - همان مأخذ.

۳. «می فرمود که آن به غلبه شوق در یک روز گفته شده است و باز هرگز بر آن عبور نیفتاده» -
 همان مأخذ، همان جا.

۴. حیات شیخ عبدالحق محدث دهلوی، پروفیسور خلیق احمد نظامی، مطبع پونین، دهلی، مه
 ۱۹۶۴ م.

۵. پادشاه نامه، ص ۲۴۱-۲۴۲.

عبادت‌خانه بود، از نظر شیخ عبدالحق اهمیتی نداشت، پس عبدالحق به مکه رفت و در ماه رمضان سال ۹۹۵ هجری / ۱۵۸۷ م. به آنجا رسید و به قول خود او حدیث، تصوف، فقه حنفی و حقوق را از استاد و پیر کاملش شیخ عبدالوهاب منقی فرا گرفت.^۱ در دوران اقامت در مدینه منوره، چهاربار به زیارت روضه رسول خدا مشرف گردید و قصیده‌ای هم در آنجا خواند که مطلع آن این است:^۲

بیا ای دل دمی از هستی خود ترکِ دعوی کن

میفکن چشم بر صورت نظر در عین معنی کن

عبدالحق در سال ۱۵۹۱ م. به هند بازگشت و مدرسه اسلامی را در دهلی به راه انداخت، مُلا عبدالقادر بدایونی نوشته است:^۳ «شیخ عبدالحق محدث دهلوی در تصوف مرتبه بلند دارد.» اسم کامل شیخ در فهرست نسخ خطی چنین آمده است: «عبدالحق بن سیف الدین الدهلوی و طناً البخاری، اصلاً ترکی، نسباً الحنفی، مذهباً الصوفی و مشرباً القادری طریقه.»^۴

در طول حیات شیخ هشت سلطان بر تخت سلطنت دهلی نشستند، ولی شیخ فقط اکبر، جهانگیر و شاهجهان را در زندگی از نزدیک دیده بود و در زمان سلطنت اکبر پادشاه هرگز به دربار نمی‌رفت و در زمان جهانگیر برای فروغ دادن به قیام دین به دربار رفته بود. توکل شیخ، جهانگیر را تحت تأثیر قرار داد و مطیع شیخ گشت.^۵ به همین علت، جهانگیر به دست خود روستایی به نام «بکروالا» را به شیخ عبدالحق جاگیر داد. شیخ حدوداً نود و چهار سال زندگی کرد و در سال ۱۰۵۴-۱۰۵۵ هـ / ۱۶۵۴ م. فوت کرد. پسرش، شیخ نورالحق^۶ که خود عالم دین بود، نماز میت را به جا آورد و او را طبق وصیت خودش، در کنار حوض شمسی به خاک سپرد.

در زمان شیخ در دهلی کتابخانه عمومی نبود، اشخاصی که به تصنیف و تألیف و

۱. اخبارالاخیار، صص ۲۶۴-۲۶۳.

۲. همان مأخذ، ص ۳۲۷.

۳. منتخب التواریخ، ص ۶۲۴.

۴. فهرست نسخ خطی فارسی، موزه بریتانیا، چارلز ریو، ج ۱، شماره: Or 1107.

۵. اخبارالاخیار، ص ۱۵۰.

۶. پس از رحلت آن جناب نورالحق، خلف‌الصدقش که در علم و فضل شهره آفاق بود، مدت مدید صدرآرا مدرسه استفاده گشت. عمل صالح، ص ۳۸۵.

تدریس مشغول بودند، خود کتابخانه شخصی داشتند. عبدالحق هم کتابخانه شخصی داشت و دارای کتاب‌های زیادی بود و آثار متعددی درباره معارف اسلامی داشت. ولی متأسفانه کتابخانه او در حملات مرهت‌ها و جات‌ها به دهلی در قرن هجدهم میلادی بر باد رفت.^۱

از جمله معاصران شیخ می‌توان از ده نفر که دوست صمیمی او بودند، نام برد:

۱. شیخ احمد سرهندی، معروف به مجدد الف ثانی، یکی از بزرگان زمان خود بوده است و ابتدا بین شیخ عبدالحق محدث دهلوی و مجدد الف ثانی اختلافی پیدا شد ولی این اختلاف دیری نپایید و هر دو، دست ارادت به خواجه باقی بالله دادند.

۲. شاه ابوالمعالی قادری، برادرزاده شیخ داود کرمانی شیرگرهی، داماد و خلیفه اوست. مؤلاً عبدالقادر بدایونی در جلد سوم منتخب التواریخ می‌نویسد: «در چاپک‌رویی یگانه زمانه و در حالات و مقامات فقر و فنا نشانه، اگر ذکر موافقان رود نام او اوفی، اگر نام سابقان در میان آید، ذکر او اسبق.^۲» تألیفاتی به نام تحفه قادریه، نغمات داودی، مونس جان، زعفران زار، گل‌دسته باغ ارم و غیره دارد. شعر هم سروده است و تخلص او غربتی بوده است.

۳. مولانا محمد غوثی بن حسن بن موسی شطاری، صاحب گلزارابوار در سنه ۹۶۳ هجری چشم به جهان گشود. او به سید محمد غوث گوالیاری شطاری بیعت و در تذکره خودش شیخ عبدالحق را دوست خود یاد کرده است.

۴. شیخ ابوالفیض فیضی عالم دین و شاعر ممتاز زمان اکبرشاه بوده است. راجع به انشاپردازی او، محمدحسین آزاد نوشته است که: «انشاپردازی فیضی قلم او را سجده می‌کند.»^۳ فیضی تفسیری بی‌نقطه برای قرآن مجید تألیف کرده و آن را سواطع الالهام نامیده است، شیخ عبدالحق قبل از رفتن حجاز در فتح‌پور سیکری با فیضی صحبت‌ها داشته بود.

۵. میرزا نظام‌الدین احمد بخشی، مؤلف تاریخ اکبرشاهی یا طبقات اکبری و امیر پنج هزار بود. او را بهترین مورخ دوره اکبرشاه شمرده‌اند. قبل از عزیمت به حجاز، شیخ

۱. حیات شیخ عبدالحق محدث دهلوی، ص ۱۰۵.

۲. منتخب التواریخ، ص ۱۰۲.

۳. دیار اکبری، ص ۳۷۱.

عبدالحق در احمد آباد مهمان او بود، و با هم دوستی داشتند.

۶. ملا عبدالقادر بدیوانی، مؤلف منتخب التواریخ، یکی از معروف ترین مورخان دوره اکبر شاه بود. عربی، فارسی و سانسکریت را خوب می دانست و در دارالترجمه اکبر شاه مأمور تصنیف و تألیف و ترجمه بود. آنها با هم در فتح پور سیکری صحبت داشتند و دوست صمیمی بودند.

۷. عبدالرحیم خان خانان، پسر بیرم خان، در علم و فضل و در شجاعت و شهامت نابغه روزگار بود و عالم زمان خود محسوب می شد. در مآثر الامرا آمده است: «خان خانان در قابلیت و استعداد یکتای روزگار بود و او عربی و فارسی و ترکی و هندی روان داشت. شعر خوب می فهمید و می گفت و رحیم تخلص می کرد. گویند که به اکثر زبان ها که در عالم رایج است حرف می زد.»^۱ شیخ عبدالحق محدث دهلوی و عبدالرحیم خان خانان با هم دوست بوده اند.

۸. عبدالله نیازی، خلیفه شیخ سلیم چشتی، یکی از معروف ترین مشایخ وقت بود. در آخر عمر تحت تأثیر سید محمد مهدی جون پوری مهدوی قرار گرفت. شیخ عبدالحق او را دوست داشت و نامه ای در المکاتیب خطاب به او نقل کرده است.

۹. نواب مرتضی خان شیخ فرید، از اکابر و اعیان سلطنت دوره مغول بود و در زمان حکومت جهانگیر او را والی گجرات تعیین کردند. مرتضی خان قلب حساس و مغر بیداری داشت و علما و مشایخ وقت به او عقیدت فراوانی داشتند. حضرت مجدد الف ثانی در نهضت خود او را دست راست خویش تعیین کرده بود. خواجه باقی بالله در ترویج سلسله نقشبندیه از او کمک خواسته بود و شیخ عبدالحق، برای احیای سنت و شریعت، از او استفاده کرده و او را دوست و رفیق خود خوانده است.

۱۰. میر سید طیب بلگرامی، پسر میر سید عبدالواحد بلگرامی، در علم و فضل و در زهد و ورع یگانه روزگار خود بود. میر غلامعلی آزاد بلگرامی در مآثر الکرام درباره او نوشته است: «وی ذات مقدسی است که اگر تقلین به او ناز کنند، می زیبد و اگر زمین و زمان بر خود بالند می شاید.»^۲

میر سید طیب تدریس می کرد و بر هدایه و تفسیر بیضاوی حاشیه های عالمانه نگاشته

۱. مآثر الامراء ج ۲، ص ۷۰۹.

۲. مآثر الامراء ص ۴۷.

بود. شیخ عبدالحق محدث او را محترم می‌داشت و آزاد بلگرامی روابط شیخ عبدالحق و میرسید طیب را در مآثرالکرام چنین آورده است: «در میان شیخ عبدالحق دهلوی قدس سره و حضرت میرمحبتی و مودتی عظیم بود، شیخ عبدالحق به رعایت بزرگی او را شیخ طیب می‌گفت.^۱»

فرزندان شیخ عبدالحق:

عبدالحق سه پسر داشت: شیخ نورالحق، شیخ علی محمد و شیخ محمد هاشم. شیخ نورالحق بزرگ‌ترین فرزند وی بود، بعد از وفات پدر بر مسند ارشاد نشست و شیخ عبدالحق در زندگی خود شیخ نورالحق را «وجود ثانی خود» خوانده بود، شیخ نورالحق در علم و فضل ممتاز بود و شعر هم می‌سرود و تخلصش مشرقی بود، این بیت از اوست:

با آن که مشرقی همه تن دیده چون گل است

با هیچ کس چو چشم حباب آشنا نبود

شاهجهان پادشاه تیموری هند باغی به وسعت سی و یک بیگه موسوم به «کوشک» به شیخ مذکور داده بود، شیخ نورالحق قریب نود سال زندگی کرد و پسری داشت که نامش شیخ نورالله بود و این شیخ نورالله چهار پسر داشت که یکی از فرزندان، محمد فخرالدین، عالم حدیث بود و او یک پسر داشت که اسمش شیخ الاسلام صدرالصدور دهلوی بوده است، پسر او شیخ سلام الله هم دو پسر به نام‌های شیخ نورالاسلام و شیخ محمد سالم داشت. شیخ نورالاسلام مدت کوتاهی در رامپور مفتی بود، اما بعد از نورالاسلام و مولانا محمد سالم روایت حدیث و تدریس معارف اسلامی به زوال گرایید. سرانجام مولانا انوارالحق حقّی و مولانا برکت علی حقّی، دو بزرگ از این خانواده، باقی ماندند که بر کارنامه افتخارات اسلام افزودند و تصانیف و کتاب‌های شیخ را حفظ داشتند و منتشر کردند.

معاصران شیخ عبدالحق محدث دهلوی او را «اسدالعلماء» خطاب می‌کردند. ولی علمای قشری که در حیات شیخ، در فسق و فجور و الحاد و زندقه روزگار می‌گذراندند و این کج‌روی را تصوف می‌خواندند، با او به مخالفت برخاستند و اکبر پادشاه در سال

۱۵۸۲ م. دین الهی را به نام دین نو خوانده و عهدنامه‌ای که برای ورود در دین الهی تعیین کرده بود، نوشته بود:

«من که فلان بن فلان باشم به طوع و رغبت و شوق قلبی از دین اسلام مجازی و تقلیدی که از پدران دیده و شنیده بودم، ابرا و تبرا نمودم و در دین الهی اکبرشاهی در آمدم و مراتب چهارگانه اخلاص که ترک مال و جان و ناموس و دین باشد، قبول کردم.^۱»

جلال‌الدین محمد اکبر پادشاه در سال ۱۵۸۲ م. به ملا مبارک ناگوری امر کرده بود که محضرنامه برای پادشاه تهیه کند و در محضرنامه ملا مبارک ناگوری پادشاه را حق اجتهاد هم داده بود که مرحوم پروفیسور خلیق احمد نظامی در حیات شیخ عبدالحق محدث دهلوی، به نقل شیخ نورالحق نوشته است که در سال ۱۵۷۸ م. اکبر مذهب اسلام را ترک گفت.

آثار شیخ عبدالحق محدث دهلوی

تعداد آثار شیخ عبدالحق محدث دهلوی نزدیک به شصت است و آن آثار را می‌توان به شرح زیر نام برد:

۱. تفسیر: ۳ اثر

الف) تعلیق الحاوی علی تفسیر البیضاوی

ب) شرح صدور تفسیر آیت‌النور

ج) تحصیل الغنائم و البرکات به تفسیر سورة والعادیات

۲. تجوید: ۲ اثر

الف) درة الفرید فی قواعد التجوید

ب) شرح القصیده الجزریه

٣. حديث: ١٣ اثر

- (الف) اشعة المعاني في شرح المشكوة
 (ب) لمعات التنقيح في شرح مشكوة المصابيح
 (ج) ترجمة الاحاديث الاربعين في نصيحة الملوك والسلاطين
 (د) جامع البركات منتخب شرح المشكوة
 (هـ) جمع الاحاديث الاربعين في ابواب علوم الدين
 (و) رسالة اقسام الحديث
 (ز) ما ثبت بالسنّة في ايام السنّة
 (ح) رساله شبّ برات
 (ط) الاكمال في اسماء الرجال
 (ي) شرح سفر السعادت
 (ك) اسماء الرجال و الروايات المذكورين في كتاب المشكوة
 (ل) تحقيق الاشاره في تجميع البشاره
 (م) ترجمة مکتوب النبی الامل فی تعزیه ولد معاذ بن جبل

٤. عقايد: یک اثر

(الف) تکميل الايمان و تقوية الايمان

٥. فقه: ٣ اثر

- (الف) فتح المنان في تأييد النعمان
 (ب) الفوائد
 (ج) هداية الناسك الى طريق المناسك

٦. تصوّف: ٩ اثر

- (الف) تنبيه العارف بما وقع في العوارف
 (ب) تحصيل التعرّف في معرفة الفقه والتصوف
 (ج) شرح فتوح الغيب

(د) ترجمہ غنیۃ الطالبین

(ه) توصیل المرید الی المراد ببيان الاحزاب والاوراد

(و) مرج البحرین فی الجمع بین الطریقین

(ز) نکات الحق والحقیقة من باب معارف الطریقة

(ح) جواب بعضی کلمات شیخ احمد سرہندی

(ط) رسالہ وجودیہ

۷. اخلاق: ۵ اثر

(الف) آداب الصالحین

(ب) آداب اللباس

(ج) آداب المطالعة و المناظرہ

(د) رسالہ نورانیۃ سلطانیہ

(ه) تسلیۃ المصاب لنیل الاجر والثواب



۸. اعمال و اوراد: ۵ اثر

(الف) ترغیب اهل السعادات علی تکثیر الصلوٰۃ علی سید الکائنات

(ب) اجوبة الاثنا عشر فی توجيه الصلوٰۃ علی سید البشر

(ج) رسالہ عقد انامل

(د) مطلب الاعلیٰ فی شرح اسماء الحسنی

(ه) رسالہ وظایف

۹. فلسفہ و منطق: ۳ اثر

(الف) بنا المرفوع فی ترصیص مباحث الموضوع

(ب) درۃ البہیۃ فی اختصار الرسالۃ الشمسیہ

(ج) شرح شخصیہ

۱۰. تاریخ: ۲ اثر

الف) جذب القلوب الی دیار المحبوب (تاریخ مدینه)

ب) ذکر ملوک (تاریخ حقی)

۱۱. نحو، ۲ اثر

الف) حاشیه الفوائد الصیاتیة

ب) افکار الصافیة فی ترجمة کتاب الکافیة

۱۲. دست‌نوشت، ۴ اثر

الف) اجازت الحدیث فی القدیمة والحديث

ب) تألیف قلب الالیف فی ذکر فهرس التوالیف (۲)

ج) زاد المتقین فی سلوک طریق الیقین

د) وصیت‌نامه



۱۳. خطبات، یک اثر

الف) فصول الخطب لنیل اعالی الرتب

۱۴. مکاتیب، ۲ اثر

الف) کتاب المکاتیب والرسائل

ب) صحیفة المودة

۱۵. اشعار

شیخ عبدالحق محدث دهلوی شاعر هم بوده و حقی تخلص می‌کرد. وی دیوان ندارد، ولی ابیات متفرقة وی در کتاب‌های خود او و دیگر تألیفات به صورت شعر و جدا از هم درج شده است، اشعار متفرق وی را می‌توان به شرح زیر ردیف کرد:

- ۱- حقی از گوشهٔ دہلی نئہم پایرون
خود گرفتیم کہ ملکِ گجراتم دادند
- ۲- بہ ہرجوری کہ آن مہمی کند از جام و حقی
کہ دلدار مرا شاید کہ مقصود امتحان باشد
- ۳- حَقًّا بیان شوق بہ پایان نمی رسد
کو تہ ساز قصۂ دور و دراز را
- ۴- رنگِ حناست بر کف پای مبارکت
یا خونِ عاشقست کہ پامال کردہ ای؟
- ۵- چنان در غیرتم از تو کہ گر چشم ترا بیند
پیشانِ گردم و خواہم آن چشم تو من باشم
- ۶- آخر بہ دور تو شکرستان شود جہان
ریزد بدین صفت چو شکر از دہان تو
خوش داری ای رقیب بہ «حقی» گمان و صل
یا رب ہمیشہ راست بود این گمان تو
- ۷- زدیدہ تیز نگاہش گذشت و در دل خورد
بلای دیدہ نگہ کن کہ بر دل افتادہ ست
شہید عشق مہندار خفتہ در خاک است
کہ چشم بستہ و بر یاد قاتل افتادہ ست
- ۸- بر رخس زلف پُسر شکن بیند
سنبل افتادہ بر سمن بیند
در گرفت از رخس بہ گل آتش
آتش افتادہ در چمن بیند
تن او در درون پیراہن
ہمچو جان در درون تن بیند

۹- آن ترک مردمکش مگر بهر تماشا می رود

شهری همه شد صید او اکنون به صحرا می رود

در دیدن آن عشوه گر طاقت کجا دارد بشر

سویش ملک بینداگر اونیز از جامی رود

۱۰- قامتش در جلوه آمد طاقتم بر باد رفت

نرگش در خواب رفت و فتنه را بیدار کرد

حال حقی بر تو کی ظاهر شود زیرا که وی

حالتی دارد که نتواند به خود اظهار کرد

۱۱- شب فراق که از هجر یار می گیرم

بـهانه درد کسسم زار می گیرم

به هر کجا که بود ماتی روم آن جا

بدین بهانه ز هجر نگار می گیرم

۱۶. سیر و تذکره: ۷ اثر

(الف) مدارج النبوة (سیرت)

(ب) مطلع الانوار البهية في الحلیة النبویة (سیرت)

(ج) زبدة الآثار منتخب بهجة الاسرار (تذکره)

(د) احوال ائمة اثنا عشر خلاصة اولاد سيد البشر (تذکره)

(هـ) انوار الجلیة في احوال مشايخ الشاذلیة (تذکره)

(و) ترجمه زبدة الآثار (تذکره)

(ز) اخبارالاخيار في اسرار الابرار (تذکره) که ذیلاً درباره آن توضیح لازم داده خواهد

شد:

ویژگی‌های سبکی و دستوری اخبارالاخیار فی اسرارالابرار

اخبارالاخیار فی اسرارالابرار یکی از معتبرترین تذکره‌های صوفیانه در هند است. نکته قابل ذکری که در مورد این کتاب می‌توان اظهار داشت این است که اخبارالاخیار دارای ویژگی‌های سبکی و دستوری خاصی به قرار ذیل می‌باشد:

۱- سبک اخبارالاخیار به شیوه گلستان سعدی است - گرچه ممکن است همه کتاب به این شیوه نباشد اما با مطالعه در صفحات آغازین می‌توان این شیوه را کاملاً احساس کرد، نظیر «اول نعمت‌ها، نعمت وجود است و سایر نعم بعد از وی مشهود و نعمت وجود دایم و دوام نعمت را دوام شکر لازم».

با مطالعه همین سطر می‌توان نتیجه گرفت که نویسنده تا چه حد از سعدی پیروی کرده است و حتی کوشیده تا آخر عبارات را همچون گلستان به صورت مسجع و آهنگین بیاورد. بنابراین کاملاً مشهود است که این کتاب به سبک عراقی می‌باشد و آن هم به سبک پیچیده نه معتدل.

۲- املائی اخبارالاخیار به طرز و روش نشر متداول عهد میانه هند است و نگارش آن هم با املائی معاصر تفاوت دارد و خطاهایی در آن راه یافته است. چند نمونه می‌توان داد: «خورمی به جای خرمی، توریت به جای ثورات، جماعه به جای جماعت، بلک به جای بلکه، سیوم به جای سوم و هبوت به جای هبوط».

۳- یکی از ویژگی‌های کتاب این است که دو ضمیر در کنار هم آمده است و حرف اضافه «را» به معنی «به» کار رفته است مانند: «وی ایشان را درین جهان بخیر ذکر می‌کنند» «می در آمد».

۴- واژه «بعده» به جای «مپس» یا «پس» آمده است، مثل: «بعده گفتی مرا معذور دارید».

۵- آوردن «با» حرف اضافه، به جای «به» نظیر: «باز با حق مشغول شدی» یعنی «به حق».

۶- یکی از ویژگی‌ها آن است که در بیشتر موارد فعل در وسط جمله می‌آید، مانند: «خواجه را بقالی بود همسایه».

۸- یکی از ویژگی‌های عمده متن از لحاظ دستوری آن است که در بسیاری موارد فعل‌ها را به صورت ماضی استمراری می‌آورد. مثل: «شدی، بگفتندی، گفتی، بمردی، خبر نشدی، کردی و رسیدی و غیره».

۹- آوردن صفت و موصوف با قافیه است، نظیر: «خواست، خواست مولی است تعالی» که تعالی صفت مولی است و یا «حق را سبحانه و تعالی».

۱۰- دو فعل در یک عبارت فعلی مانند: «عرضه داشت کرد».

۱۱- آوردن فعل متروک مثل: «کیانند؟» به معنای «چه کسانی هستند».

۱۲- عبارات را با سجع نیز بیان کرده است، نظیر: «هر خزینه که خراب بود مأمور بود مخزون او مستور بماند و هر خزینه که خراب بود مخزون او بر سراب بود».

بین «خراب و سراب» سجع متوازی وجود دارد. نیز مانند: «هر که راه وصال رود و لوح سینه از نقوش پاک نکند، او بیهوده می‌گوید و هرزه می‌پوید». بین «گوید و پوید» هم سجع متوازی موجود است. یا جای دیگر، مثل: «طلب آن نیست که بدو تازی، طلب آن است که وجود خود را در بازی» - این جا هم در متن بین «تازی و بازی» سجع متوازی است.

نظر شیخ عبدالحق درباره اخبارالاخبار:

دیدگاه محدث دهلوی در خصوص اخبارالاخبار و همچنین کمی اطلاعات مربوط به مشایخ و علما نکته قابل ذکری است که می‌توان بدان اشاره کرد.

«چون ذکر از مشایخ دیار عرب و عجم و کتب و صحایف ارباب معارف مسطور و مذکور است، چنان مسطور خاطر فاتر شد که آنچه از اخبار و آثار ثبت آن در این اوراق اختیار افتد، بعد از ذکر حضرت پیر دستگیر شیخ العالم و الغوث الاعظم والاحباب قطب الاقطاب غوث الثقلین شیخ محیی الدین ابومحمد عبدالقادر الحسین الجیلانی رضی الله عنه مخصوص این دیار باشد، یعنی دیار هندوستان که مقام خاص غربا و محبتان و دوستان است، زیرا که اگرچه احوال بعضی از مشاهیر ایشان مسطور و مزبور شده ولیکن اخبار اکثری از مشایخ و علما و اتقیای دیگر که از زمان ابتدای فتح اسلام که زمان ظهور این کرام در این دیار است، در هر عصری و عهده معروف و مشهور بودند، در کتابی معین مبین مسطور نیست، مگر در بعضی ملفوظات و رسائل بعضی از تقریبات و

و مسائل مذکور شده...^۱

جای دیگر می‌گوید که قبل از نوشتن تذکره، خیلی از کتاب‌های صوفیانه و آثار ایشان را پیش خود جمع کرده بودم. می‌گوید:

«احوال اولیا و اصفیا و عرفا و مشایخ و بزرگان دین و مقتدایان ارباب یقین در کتب و رسائل و در ملفوظات مشایخ چشتیه و غیرهم در نظر آمده و از ثقات روایت که جانب صدق ایشان راجع بلکه متعین باشد، با استعمال نوعی از تفرّس و اعتبار و امتحان و اختیار که واجب وقت کاتبان تاریخ و مستمعان اخبار است، شنیده شده نوشته آمد و جماعت دیگر از علما و صلحا که به سمت امتیاز موسوم، به عفت اشتها معلوم بوده‌اند، خصوصاً از صلحای طبقه اسکندریه که زمان صلاح و تقوی و ورع و دیانت و صیانت بود و بسیاری از اکابر و علما از اطراف و اکناف عالم، از عرب و عجم در آن زمان تشریف آورده، در این دیار توطن فرمودند و جماعت دیگر نیز اگرچه بینشان ولایت و کرامت موسوم نبوده‌اند، لیکن ذکر ایشان در محافل و مجالس به خیریت می‌راند، شاید که بعضی تقریبات و مناسبات مذکور شده باشد»^۲

یکی از ویژگی‌های عمده اخبارالاخیار این است که عبدالحق همه صوفیان را در مقام خاص اجتماعی‌شان معرفی می‌کند، ابهام‌گویی و مبالغه، طرز نگارش آن دوره بوده است. او از ذکر کشف و کرامات صوفیانه احتراز نموده است، اگر در تذکره او از کشف و کرامات سخن به میان آمده، مبنی بر استدلال است یا از باب عقیدت و ارادت آمده است. ترجمه روان از عربی به زبان فارسی مزیت دیگر شیخ است که خواننده تشخیص نمی‌دهد که عبارت از عربی ترجمه شده است، این ویژگی نمایانگر مهارت شیخ در ترجمه است. شیخ عباراتی مقفی و مسجع هم نوشته است ولی قدرت بیان، و روانی از نثر او هویدا است و اطالة کلام در اثر شیخ دیده نمی‌شود. به همین سبب اخبارالاخیار اعجاز شیخ است که همه تذکره به اختصار نوشته شده است. شیخ در تذکره خود می‌نویسد که بی‌ذوق چه نویسد که رونق سخن در ذوق است.

در آخر کتاب، شیخ تکمله‌ای نوشته و از جدّ خود آغاز کرده تا والد خودش ذکر نموده است، درباره والد بسیار جالب و واضح نوشته است. در خاتمه تذکره دعا کرده

۱. اخبارالاخیار، ص ۱۲.

۲. همان مأخذ، ص ۱۳.

است و در شأنِ محمد مصطفیٰ (ص) قصیده‌ای سروده است و قطعه‌ای تاریخی نیز ثبت کرده است:

طیب‌الله حقّ انفاسک بارک‌الله قوّة و غنی
نام و تاریخ این کتاب عزیز گر کنی ذکر اولیا احسن

محتوای اخبارالاخیار

در اخبارالاخیار مشایخ وقت به اعتبار زمانه ایشان بر سه طبقه تقسیم شده‌اند:

طبقه اول: از خواجه معین‌الدین چشتی اجمیری تا شیخ فخرالدین، مشتمل بر بیست صوفی.

طبقه دوم: از بابا فریدالدین گنج شکر تا مولانا احمد حافظ، مشتمل بر چهل و سه صوفی.

طبقه سوم: از شیخ نصیرالدین چراغ دهلی تا مولانا احمد بخشی، مشتمل بر صد و نود و دو صوفی.

عبدالحق بعد از سه طبقه، چهارده مجذوب را ذکر کرده است که از شیخ ابوالغیب بخاری آغاز می‌کند و در سبحان مجذوب تمام می‌شود. در آخر از پنج خاتون هم که صالحه وقت بودند، ذکر شده است که از بی بی ساره آغاز می‌شود و با بی بی اولیا به پایان می‌رسد.

در چندین نسخه چاپ شده اخبارالاخیار، درباره مجدد الف ثانی دو یا سه صفحه افزوده شده است، ولی پروفیسور خلیق احمد نظامی در کتاب خود حیات شیخ عبدالحق محدّث دهلوی می‌نویسد که این صفحات به سبک مؤلف کتاب هیچ شباهت ندارد. در اثنای مطالعه اخبارالاخیار مسلم می‌شود که شیخ در این تذکره اصلاحاتی هم به عمل آورده است، به طور مثال در سال وفات شیخ الله‌داد که یکی از مریدان شیخ سعدالدین خیرآبادی بود، شیخ نوشته است: هم درین سال که نهصد و نود و سه است وفات یافت.» بعد از نوشتن این عبارت شیخ عبدالحق به ملاقات با شیخ وجیه‌الدین علوی گجراتی اشاره کرده که در سال نهصد و نود و شش واقع شده بود. در تذکره مذکور شیخ درباره ولادت و وفات صوفیان و قبول مشایخ نوشته است.

در ذکر بعضی صوفیان شیخ عبدالحق نوشته است که «وفات او در سال سنه است.^۱» علتش آن است که شیخ عبدالحق سال قطعی وفات را پیدا نکرده و به این دلیل از نوشتن سال وفات اجتناب نموده است، همچنین شیخ اطلاعات غیر مستند را هم ضبط نکرده است. اسم کتاب‌های صوفیان را هم ذکر کرده و درباره آن کتب و رسائل توضیح داده است، چنان‌که درباره رساله «مفتاح الاسرار» که رساله مولانا سماء الدین است، توضیح داده و جایگاه آن کتاب در ادبیات را هم تعیین نموده است.^۲ شیخ در ذکر بعضی مشایخ به طریق ارادت و عقیدت، چند نکته منفی هم ثبت نموده است که سراسر احترام و مقام صوفیان را آشکار می‌کند. یکی از آن درباره شیخ محمد ترک نارنولی است که شیخ عبدالحق در تذکره خود آورده است.

جای دیگر در همین تذکره درباره شیخ تاج الدین شیرسوار مطالبی نقل کرده و می‌نویسد که:^۳

«مرید شیخ قطب الدین مَنُور هانسوی است که در کوهستان نارنول است. ریاضات شاقه کشید، کار خود به مجاهده به جایی رسانید که دام و دد مسخر او شدند و وحوش و طیور با او انس گرفتند. چنین می‌گویند که چون وی می‌خواست که به زیارت پیر خود به جانب هانسی برود، شیری را از بیشه می‌گرفت و بر وی سوار می‌شد و ماری بر دست می‌کرد و متوجه مقام پیر می‌شد. چون نزدیک مقام پیر می‌رسید، شیر و مار را رها می‌کرد.»

شیخ عبدالحق در ذکر شیخ عبدالقادر جیلانی و شیخ موسی قدرت مهارت در نویسندگی را ابراز کرده و نیز درباره شیخ علی بن حسام الدین، تقریباً سیزده صفحه نوشته است و عقیدت و ارادت خود را به او نشان داده. درباره وفات او نوشته است که: «در وقت رحلت سر مبارک ایشان بر زاتوی فقیر بود.» شیخ بی‌نی به اردو را هم نقل کرده است:^۴

۱. درباره شیخ عبدالله شطاری نوشته است: «وفات او در سنه و قبر او درون قلعه مندو است.» اخبار الاخیار، ص ۱۶۷.

۲. «رساله‌ای دیگر دارد مُسمی به مفتاح الاسرار که اکثر آن بعینه منقول از رسائل شیخ عزیز نسفی است.» همان مأخذ، ص ۲۱۱.

۳. بعضی از صلحا آواز تلاوت قرآن از قبرهای ایشان شنیدند که به طریق دور می‌خواندند. همان مأخذ، ص ۴۸.

۴. اخبار الاخیار، ص ۱۴۹.

سُن سہیلی پرم کسی با تا بول مل رہی جیون دودہ نباتا^۱

شیخ در بعضی موارد به مسایل تاریخی و اسم شهر هم اشاره کرده است، برای مثال درباره اسم شهر ناگور نوشته است: ^۲ «اسم قدیم این شهر «نوانگر» بود ولی ثرکان اسم شهر را تبدیل کردند» و همین طور اسم برهان پور را به نام شیخ برهان الدین منسوب کرده است. نیز شیخ صوفی بدهنی و خواجه قطب الدین بر دست چنگیز خان اسیر گشتند و زندانی شدند^۳، اطلاعاتی که شیخ عبدالحق در لا به لای مطالب کتاب نقل کرده که اکثر معنی بر حقایق است.

آثار و کتاب هایی که شیخ عبدالحق در تألیف اخبارالاخیار فی اسرارالابرار از آنها استفاده کرده است که همه آثار و صوفیانه و عرفانی هستند؛ به ترتیب زیر است:

- ۱- دلیل العارفین، ملفوظات خواجه معین الدین چشتی، گرد آورده خواجه قطب الدین بختیار کاکی اوشی (مرید و وظیفه خواجه معین الدین چشتی)
- ۲- رساله برای بعضی مریدان، شیخ بهاء الدین زکریا ملتانی
- ۳- طوابع الشموس، قاضی حمید الدین ناگوری
- ۴- فوائد الفواد، ملفوظات حضرت نظام الدین اولیاء، امیر حسن بن علاء سجزی دهلوی
- ۵- جوامع الکلم، ملفوظات سید محمد گیسو دراز (بنده نواز)
- ۶- هدایه، مولانا برهان الدین مرغینانی
- ۷- سیر الاولیاء، سید امیر خورد کرمانی
- ۸- کثر الفوائد، ملفوظات شیخ صدر الدین، خواجه ضیاء الدین
- ۹- ملهمات، شیخ جمال الدین احمد هانسوی
- ۱۰- سرور الصدور، ملفوظات شیخ حمید الدین، شیخ فرید الدین گنج شکر
- ۱۱- طبقات ناصری، قاضی منهاج الدین بن سراج الدین
- ۱۲- تاریخ فیروزشاهی، ضیاء الدین برنی
- ۱۳- خیر المجالس، ضیاء الدین برنی
- ۱۴- انوار المجالس، ملفوظات شیخ نصیر الدین محمود چراغ دہلی، حمید قلندر

۱. یعنی: دوستان سخن عشق را بشنوید، چنان بهم آمیخته است که گویی شیر و شکر است.

۲. همان مأخذ، ص ۲۷۲.

۳. اخبارالاخیار، ص ۲۶۵.

۱۵۔ تحفۃ الأبرار و کرامۃ الأخیار، ملفوظات حضرت نظام الدین اولیا، خواجہ

عزیز الدین صوفی

۱۶۔ نصاب الاحتساب، خواجہ ضیاء الدین سنامی

۱۷۔ خزائنہ جلالی، ملفوظات سید جلال الدین

۱۸۔ شرح شمسہ، مولانا قطب الدین رازی

۱۹۔ بحر المعانی، دقائق المعانی، حقایق المعانی، رسالہ در بیان روح و رسالہ پنج

نکات، ہمہ تالیف سید محمد بن جعفر.

۲۰۔ رفیق العارفين، ملفوظات شیخ حسام الدین مانکپوری

۲۱۔ منهاج العابدین، امام غزالی

۲۲۔ ترجمہ منهاج العابدین، شیخ یوسف بدہ ایرجی

۲۳۔ تحفۃ المجالس، ملفوظات شیخ احمد کھتو، محمود بن سعید ایرجی

۲۴۔ رسالہ آداب السالکین، شیخ قاسم اودھی دہلوی

۲۵۔ مرآت العارفين، سید مسعود بک

۲۶۔ تفسیر رحمانی، (تفسیر قرآن مجید)، زوارف شرح عوارف، رسالہ جادلۃ التوحید،

تالیف شیخ علی پیرو

۲۷۔ بحر مَوَاج (تفسیر قرآن مجید)، رسالہ مناقب السعادت، تالیف قاضی

شہاب الدین دولت آبادی

۲۸۔ کتاب دھن، شرح ضومصباح، شیخ کبیر

۲۹۔ نور النبی (تفسیر قرآن مجید)، خواجہ حسین ناگوری

۳۰۔ انوار العیون، شیخ عبدالقدوس

۳۱۔ شرح مصباح، شرح کافیہ، شرح رسالہ مکبہ، ملفوظات شیخ مینا، تالیف شیخ

سعد الدین خیر آبادی

۳۲۔ رسالہ مفتاح فیض، شیخ حسن طاہر

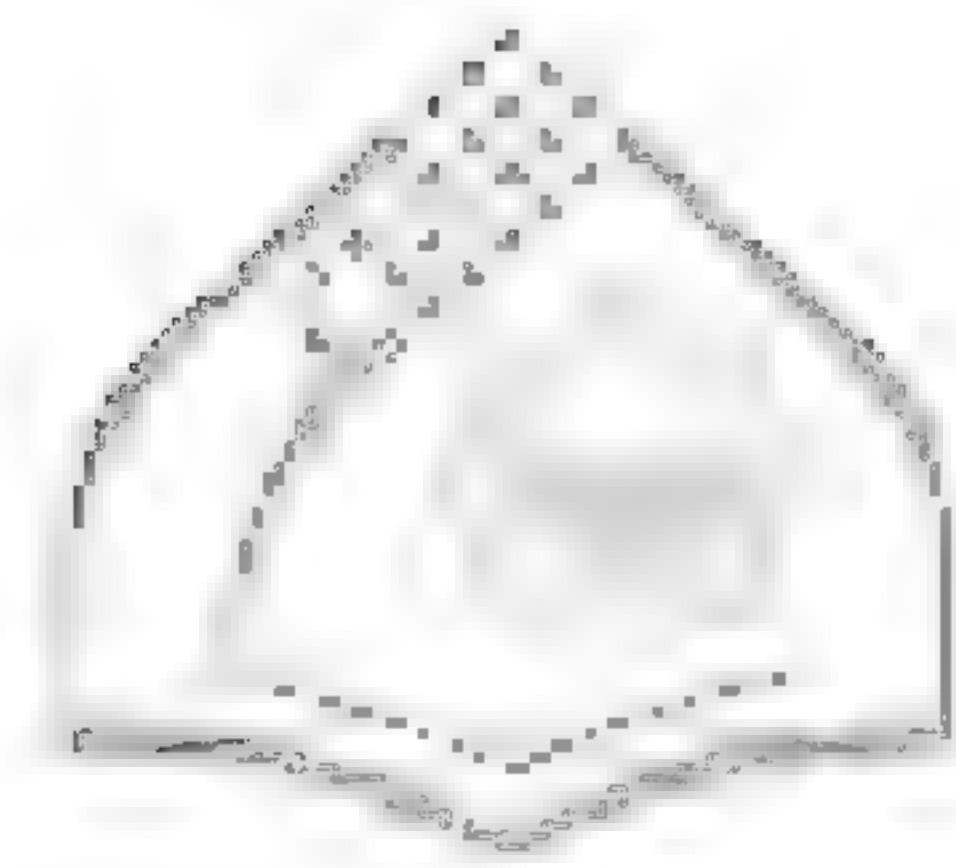
۳۳۔ رسالہ مفتاح الاسرار، (مکتوبات شیخ عزیز نسفی)، مولانا سماء الدین

۳۴۔ شرح گلشن راز، شاہ جلال شیرازی

۳۵۔ رسالہ اثبات الاحدیہ، شیخ امان اللہ پانی پتی

۳۶۔ رسالہ معراج نامہ، شیخ حاجی حمید

- ۳۷- نزہۃ الارواح، امير حسينى هروى
- ۳۸- لمعات، شيخ فخرالدين عراقى
- ۳۹- رسالۃ قدسيه، شيخ عبدالقدوس
- ۴۰- لطائف المنان فى مناقب الشيخ، ابى العباس و على الحسن، شيخ ابوالحسن
- ۴۱- مجمع البحار، رسالۃ مغنى، اسماء الرجال، ميان محمد طاهر
- ۴۲- فيض البارى (شرح صحيح البخارى)، ترجمۃ منظوم رسالۃ فرائض سراجى،
سفر السعاده، مير سيد عبدالاول.



دارالعلوم حقانيہ

روش تصحیح کتاب:

اخبارالاخیار با مقابله سه نسخه خطی زیر فراهم شده است:

۱- نسخه «س» (نسخه اساس)

این نسخه در موزه و کتابخانه سالار جنگ حیدرآباد مضبوط است و دارای مشخصات ذیل:

سال کتاب: ۱۰۸۰ هجری قمری / ۱۶۶۹ میلادی، نام کاتب: محمد شریف،
اوراق: ۲۱۱ برگ، اندازه: $۱۰/۳ \times ۶/۳$ / ۲۶۰۲×۱۵۰۹ سانتی متر،
سطر: ۱۷، خط: نستعلیق خوانا، با عناوین شگرف.

این نسخه ۲۸ سال بعد از وفات مؤلف کتابت شده است و قدیمترین و کاملترین نسخه اخبارالاخیار فی اسرارالابرار در هند محسوب می گردد. با توجه به قدمت و کامل بودن نسخه «س» این نسخه اساس تصحیح قرار گرفته است.

۲- نسخه «د» (نسخه کتابخانه دارالعلوم دیوبند)

این نسخه در کتابخانه دارالعلوم دیوبند، اترپردیش نگهداری می شود. و به نشانه «د» به آن اشاره شده است. نسخه دارالعلوم بنا به کتیبه در سال ۱۰۱۴ هجری قمری / ۱۶۰۵-۱۶۰۶ میلادی کتابت شده است و خط نستعلیق خوش و خوانا است.

این نسخه در زمان حیات مؤلف کتابت شده است و قدیمی ترین نسخه اخبارالاخیار در هند است. متأسفانه بنا به دلیل ناقص بودن، اساس قرار نگرفت ولی در مقایسه متن از این نسخه هم استفاده شده است.

۳- نسخه «ه» (نسخه کتابخانه هر دیال، دهلی)

این نسخه در کتابخانه هر دیال دهلی نگهداری می شود و در این کتاب با نشانه «ه» یاد شده است.

در آخر فهرست منابع و مآخذهای انگلیسی، فارسی وارد و ذکر شده و فهرست

سہ گانہ اسامی، جاہا و کتاب ہا ہم ضمیمہ شدہ است.

۱۔ مطبع محمدی، دہلی، ۱۲۸۳ ہجری.

۲۔ مطبع مجتہائی، دہلی، ۱۳۰۹ ہجری.

۳۔ مطبع مسلم، دہلی، ۱۳۸۲ ہجری.

۴۔ مطبع مجتہائی، دہلی، ۱۳۲۲ ہجری.

۵۔ مطبع رحیمہ، دیوبند، ۱۳۹۸ ہجری.

فہرست نسخہ ہای خطی اخبارالاخبار کہ در موزہ ہا و کتابخانہ ہای ہند و بیرون از ہند وجود دارند، چنین است:

۱۔ موزہ بریتانیا (چارلز ریو) ج ۱، شمارہ نسخہ خطی Oy. 217. نستعلیق، سال ۱۲۶۰ ہجری / ۱۸۴۴ م.

۲۔ کتابخانہ مولانا آزاد، دانشگاه اسلامی علیگر، شمارہ نسخہ خطی $\frac{920}{98}$ نستعلیق، سال ۱۱۶۸ ہجری / ۱۷۵۴-۵ م.

۳۔ ایشیاتک سوسائٹی، بنگال (کلکسیون کرزن شمارہ نسخہ خطی ۲۵۸ (D - 20). نستعلیق، سال ۱۲۶۰ ہجری / ۱۸۴۴ م.

۴۔ کتابخانہ ہردیال، دہلی، شمارہ نسخہ خطی ۳۶۳. نستعلیق، سال ۱۱۲۸ ہجری / ۱۷۱۵-۱۷۱۶ م.

۵۔ موزہ و کتابخانہ سالار جنگ، حیدرآباد (مجلد دوم، محمد اشرف)، نسخہ خطی، T.S. ۴۹۴ نستعلیق، سال ۱۰۸۰ ہجری / ۱۶۶۹ م.

کتابنامہ

اخبارالاخبار فی اسرارالابرار، شیخ عبدالحق محدث دہلوی، مطبع مجتہائی، دہلی، ۱۳۳۲ هـ. ق.

پادشاہ نامہ، عبدالحمید لاہوری.

حیات شیخ عبدالحق محدث دہلوی، پروفیسور خلیق احمد نظامی، مطبع پوٹین، دہلی، ۱۹۶۴.

عمل صالح، محمد صالح کنبوه، مجلس ترقی ادب، کلب رود، لاہور، ۱۹۶۰.

فهرست نسخ خطی فارسی، موزه بریتانیا، چارلز ریو، ج اول.
 مآثر الکرام، میر غلامعلی آزاد بلگرامی، تصحیح و تحشیه عبدالله خان، به اهتمام
 مولوی عبدالحق، حیدرآباد دکن، کتب‌خانه آصفیه، ۱۹۱۳ م / ۱۳۳۱ ه.
 منتخب التواریخ، ملا عبدالقادر بدایونی، ترجمه اردو، محمد محمود فاروقی، مطبع
 غلامعلی کشمیری، لاهور، ۱۹۶۲.

تشکر و سپاسگزاری

بدون راهنمایی استاد محترم جناب آقای پروفیسور شریف حسین قاسمی، رئیس اسبق
 بخش فارسی دانشگاه دہلی و استاد راهنما، ممکن نبود کتاب اخبارالاخیار را بدین
 صورت عرضه کرد. تشویق و الطاف و عنایات استاد قاسمی موجب شد که اخبارالاخیار
 فی اسرارالابرار تصحیح شود. از استاد گرامی صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم.
 استاد بزرگوار جناب پروفیسور سید امیرحسن عابدی که حقاً ایشان را پدر زبان
 فارسی در هند لقب داده‌اند در تکمیل این کتاب، اینجانب را راهنمایی فرموده‌اند، از
 ایشان هم سپاسگزارم و صحت و سلامتی استاد بزرگوار را از خداوند متعال خواستارم.
 از استاد گرانقدر و دانشمند ارجمند جناب آقای پروفیسور مهدی محقق، رئیس
 انجمن آثار و مفاخر فرهنگی صمیمانه تشکر می‌کنم که با عنایت ایشان این کتاب به
 چاپ رسیده است.

استاد ارجمند جناب آقای پروفیسور توفیق ه. سبحانی (استاد اعزامی به
 دانشگاه‌های دہلی در هند) چه در هند و چه در ایران بنده را در تصحیح اخبارالاخیار
 یاری نموده‌اند و پی‌گیری ایشان سبب شده است که این کتاب به چاپ برسد. اینجانب
 نمی‌توانم حق سپاسگزاری را به جای آورم و از ایشان نیز سپاسگزاری می‌کنم و موفقیت
 و پیروزی ایشان را از خداوند متعال مسألت می‌نمایم.

جناب آقای دکتر محمد رضا نصیری معاون اداری و مالی دانشگاه پیام نور و معاون

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی بنده را در چاپ کتاب راهنمایی نموده‌اند، از محبت و لطف ایشان متشکرم.

از همکاران ارجمند در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی که کوشیده‌اند این کتاب به صورتی پسندیده و پیراسته چاپ شود، از صمیم قلب تشکر می‌کنم.

دکتر علیم اشرف‌خان

۲۷ مه ۲۰۰۴ میلادی



مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

نشانه‌های اختصاری

- د : نسخه خطی «اخبارالاخیار فی اسرار الابرار» در کتابخانه دارالعلوم دیوبند، دیوبند، بخش سَهَارَنپُور (اثرپرادش).
- س : نسخه خطی «اخبارالاخیار فی اسرار الابرار» در کتابخانه و موزه سالار جنگ، حیدرآباد (اثرپرادش).
- ه : نسخه خطی «اخبارالاخیار فی اسرار الابرار» در کتابخانه عمومی هردیال (نام قبلی کتابخانه هاردینگ)، در نزدیکی ایستگاه راه آهن، دهلی کهنه.
- [] : اضافه از طرف مصحح.
- م : مصحح.
-] : آغاز متن افتاده.
- L : انجام متن افتاده.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی